

طی سال گذشته، ۱ میلیون از ۳ میلیون زنان
شاغل در ایران بیکار شده اند

ژانویه
۲۰۲۱

گزارش

ماهانه



کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

طی سال گذشته، ۳ میلیون از ۳ میلیون زنان شاغل در ایران بیکار شده اند

در شرایطی که بحران کرونا تمام دنیا را فرا گرفته است، رژیم ملایان از این بحران برای فروردین مردم به کام مرگ و جلوگیری از بروز قیام و اعتراضات سراسری استفاده می کند.

وضعیت اقشار مختلف مردم و به ویژه زنان روز به روز بدتر شده و **فقر دامن ۸۰ درصد خانواده های ایرانی** را گرفته است. یکی از معضلات لاینحل در این رژیم اشتغال زنان است. طی سال گذشته، ۱ میلیون از ۳ میلیون زنان شاغل در ایران بیکار شده اند. اقشار مختلف زنان از جمله زنان پرستار و سرپرست خانوار در شرایط کنونی قربانیان اول سیاست های غلط و سوءمدیریت نهادهای حاکم بر جامعه هستند.

طی ماه گذشته گزارشات متعددی درباره بیکاری زنان شاغل و همچنین وضعیت پرستاران و زنان سرپرست خانوار که بدون بیمه و حمایت های دولتی مشغول به کار هستند منتشر شده است.

سرکوب مدافعان حقوق بشر و زندانیان سیاسی همچنان در صدر دستور کار رژیم قرار دارد. در این گزارش، وضعیت آنها طی ماه گذشته به طور خلاصه مرور شده است.

۷۰ درصد شاغلان بیکار شده زنان هستند



گزارش فصلی مرکز آمار ایران در تابستان ۹۹ سهم زنان از بازار اشتغال را نامناسب توصیف کرد. بر اساس این آمار زنان **۷۰ درصد از شاغلان بیکار شده** در اثر بحران کووید ۱۹ را تشکیل می دهند. (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۲۱ دی ۹۹)

در موضوع اشتغال، زنان بیشتر از مردان صدمه دیدند. چرا که زنان از درآمد، پس انداز و حمایت شغلی پایین تری برخوردارند. سهم بیشتری از مشاغل ناپایدار به زنان اختصاص دارد. بسیاری از زنان که در اماکنی از جمله آرایشگری، مراکز تهیه غذا، هتل ها، تالارها یا

زنانی که در زمینه سرویس مدارس و مهد کودک ها فعالیت می کردند بخشی از زنانی هستند که به دلیل گسترش ویروس کرونا و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن آسیب بسیاری را متحمل شدند. بخشی هم به دلیل محدود شدن بازار کار و تعطیلی محل کار بیکار شدند.

نزدیک به یک میلیون نفر از زنان شاغل طی ۶ ماه اول سال جاری بیکار شده اند. علاء الدین ازوجی، مدیر کل دفتر سیاست گذاری و توسعه اشتغال وزارت کار گفت: در فصل بهار امسال (سال ۱۳۹۹) نسبت به بهار سال گذشته حدود ۷۴۹ هزار نفر از اشتغال زنان کاسته شده و طی بهار تا تابستان ۹۹ نیز حدود ۱۲۰ هزار نفر دیگر از اشتغال زنان کاسته شده که نشان از تأثیر بسیار شیوع بیماری کرونا بر اشتغال زنان است. (روزنامه حکومتی آرمان - ۱۱ بهمن ۹۹)

بسیاری از زنان شاغل به شیوه کارمزدی کار می کنند. کارمزدی به معنی کار بدون قرارداد و بدون بیمه است. عدم برخورداری از بیمه شامل محرومیت از بیمه بیکاری نیز می شود. کار بیرحمانه به شیوه کارمزدی به یک شیوه متداول تبدیل شده است. بطور خاص زنان سرپرست خانوار در این چرخه قربانی اول کساد بازار هستند.

زنان سرپرست خانوار بدون فرصت شغلی

محمود عباسی، معاون حقوق بشر و امور بین الملل وزیر دادگستری، اعلام کرد با وجود توانایی هایی که زنان سرپرست خانوار دارند آنها با مشکلات متعددی در حوزه اشتغال روبه رو هستند. تنها ۱۰ درصد زنان سرپرست خانوار به فرصت شغلی دسترسی دارند، در حالی که ۳۰ درصد آنها حداقل با یک حرفه آشنا هستند. با توجه به آمار رو به افزایش زنان سرپرست خانوار چرخه منحوس بیکاری همچنان در حال افزایش است. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱ بهمن ۹۹)

۴ میلیون زن سرپرست خانوار نان آورانی هستند که قانون نظام زن ستیز ملایان هرگز آنها را به رسمیت نمی شناسد. تا کنون هیچ قانون جامعی برای حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تصویب نشده و مجلس رژیم بودجه ای برای سازمان هایی که بتوانند به این زنان پوشش بدهند در نظر نگرفته است. این در حالی است که عدم حمایت از زنان سرپرست خانوار علاوه بر خود آنها فرزندانشان را هم دچار آسیب کرده و آینده ای جز کودکان کار و خیابان در انتظارشان نیست. از میان ۴ میلیون زن سرپرست خانوار تنها حدود ۸۵۰ هزار نفر زیر پوشش سازمان بهزیستی هستند. این تعداد نیز علاوه بر مشکلات روحی - روانی با مشکل اقتصادی فراوان رو به رو هستند که کرونا و شرایط خاص آن هم بر مشکلات آنها افزوده است. بسیار واضح است که بیش از ۳ میلیون دیگر این زنان که تحت حمایت هیچ ارگانی نیستند چه وضعیت اسفباری برای گذران زندگی و حل مشکلات معیشتی خود و فرزندانشان دارند.

خیل عظیم فارغ التحصیلان بیکار

یکی دیگر از مشکلات لاینحل در نظام ورشکسته اقتصادی ملایان بیکاری فارغ التحصیلان می باشد. این بحران در استان های مرزی از جمله کرمانشاه و کردستان فارغ التحصیلان را مجبور به کار طاقت فرسا و پرخطر کولبری کرده است. خبرگزاری حکومتی فارس در تاریخ ۳۰ آذر ۹۹ ضمن اعتراف به وضعیت وخیم اشتغال در استان های نوار مرزی نوشت: «در استان های مرزی ۶۰ درصد شاغلان غیررسمی اند.» در استان های آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان نیز حدوداً ۵۸ درصد از کل شاغلان در بخش غیر رسمی فعالیت می کنند. طبق اعلام مرکز آمار، ۴۰ درصد از افراد بیکار فارغ التحصیلان دانشگاه ها هستند. در این آمار نسبت زنان به مردان بیشتر است.

پرستاران و حقوق پرداخت نشده

پرستاران که ۸۰ درصد آنها زنان هستند یکی دیگر از اقشاری هستند که از وضعیت نابرابر دریافت حقوق و مزایا رنج می برند. طی ماهی که گذشت حداقل ۲۱ حرکت اعتراضی مربوط به این قشر زحمتکش بود. بیش از ۴۵ تا ۵۰ درصد پرستاران شرکتی هستند. پرستاران شرکتی با قراردادهای موقت و در بیمارستان های خصوصی مشغول به کار هستند و استخدام رسمی نمی شوند.

محمدرضا شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستاری در گفتگو با خبرنگار اجتماعی رکنا درباره افزایش حقوق پرستاران تاکید کرد:

«وزارت بهداشت درصددی به حقوق پرستاران اضافه کرده و آن را در بوق و کرنا می کند، اما این افزایش قیمت تمام کادر درمان است نه مختص پرستاران ... پرستاران شرکتی از سال ۹۲ تاکنون به کارگیری شده اند. شرکت یعنی استهوار و بهره کشی به شیوه جدید. به دلیل قوی بودن مافیای سیستم وزارت بهداشت این بهره کشی بیشتر است. به حقوق شرکتی ها اضافه نشده.» (خبرگزاری حکومتی رکنا - ۱۲ دی ۹۹)

«کار پرستاران شرکتی با دیگر پرستاران فرقی ندارد اما در حقوق های دریافتی اختلاف ۲ الی ۴ میلیون تومانی وجود دارد.» (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۵ دی ۹۹)



این برخورد ظالمانه با پرستاران به همین جا ختم نمی شود. گروهی از پرستاران شاغل از بیمارستان های استان خوزستان بدون تسویه حساب مالی از کار اخراج شده اند. (خبرگزاری حکومتی ایلنا - ۱۳ دی ۹۹)

در نمونه ای دیگر پرستاران یاسوج که از ابتدای شیوع کرونا به کار اشتغال داشتند در اعتراض به عدم استخدام توسط دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در اعتراض خود اعلام کردند: «سزای فداکاری بیکاری نیست»

پرستاران شیراز نیز که تاکنون چندین نوبت دست به اعتراض زدند گفتند: «در بدترین شرایط به کمک تان آمدیم اما در بدترین شرایط رهایمان کردید. ما حقمان را می خواهیم.»

به گفته میرزا بیگی، رئیس کل سازمان نظام پرستاری، از حدود ۱۴۵ هزار پرستار مشغول در بالین بیماران ۶۰ هزار نفر به کرونا مبتلا شدند و ۶ هزار نفر در قرنطینه هستند و حدود ۱۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. (خبرگزاری رسمی ایرنا - ۲۷ آذر ۱۳۹۹)

وضعیت زندان ها و زندانیان

باز هم اعدام یک زن

طی ماه ژانویه یکی دیگر از زنان نگونبخت قربانی رژیم آخوندی، در **زندان مرکزی سندج** در صبحگاه ۸ بهمن ۱۳۹۹ به دار آویخته شد. از نام و سایر مشخصات این فرد اطلاعی در دست نیست. با این اعدام شمار زنانی که در دوران روحانی اعدام شده اند به ۱۱۲ مورد رسید. رژیم ملایان در ایران بالاترین اعدام کننده زنان در جهان می باشد.

بازداشت های خودسرانه و صدور احکام زندان

رژیم ملایان طی ماه ژانویه نیز به بازداشت های خودسرانه و صدور احکام زندان برای **مدافعان حقوق بشر** ادامه داد. از جمله در جریان موج بازداشت های خودسرانه شهروندان کرد، حداقل ۹ زن در میان ۷۶ فعال بازداشت شده بودند. فریبا احمدی در نقده و روژین محمدپور اهل بوکان در تاریخ ۳۰ دی ۹۹ و گلاویژ عبداللهی اهل نقده در تاریخ ۲۳ دی ۹۹ بازداشت شدند. از محل نگهداری و سرنوشت این زنان اطلاعی در دست نیست.



از راست: گروه هنری گلاریس، ترانه محمدی، عظیمه ناصری و دریا طالبانی

عظیمه ناصری در بوکان، **دریا طالبانی** در خوابگاه دانشگاه دانشجویی دانشگاه خوارزمی کرج و **اسرین محمدی** در تاریخ ۲۰ دی ۹۹ در تهران بازداشت شدند. آنها پس از چند روز به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه منتقل شدند. نازنین اتابکی و نسرين یزدانی پور پس از احضار به پلیس امنیت نیروی انتظامی کرمانشاه روز ۲۷ دی ۹۹ بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند. آنها از اعضای **تکخوان گروه موسیقی زنان گلاریس** می باشند که با تودیع وثیقه و به صورت موقت تا زمان اتمام مراحل دادرسی آزاد شدند.

شاعر جوان کرد **ترانه محمدی** نیز در تاریخ ۲۲ دی ۹۹ توسط نیروهای امنیتی ربوده و بعد از آزار و توهین، تهدید شد که اگر به فعالیت هایش ادامه دهد، زبانش را خواهند برید. نوشته ها و اشعار این شاعر جوان عمدتاً در مورد حقوق ملی کردها، حقوق زنان، کودکان و همچنین موضوعاتی در مورد **خشونت علیه زنان** مانند ازدواج اجباری است.

محبوبه رضایی در تاریخ ۳۰ دی ۹۹ بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت ۲ سال و ۶ ماه زندان به زندان بوشهر منتقل شد. فعال حقوق زنان **تهمینه مفیدی** در ۱۳ دیماه ۹۹ در منزلش در تهران بازداشت شد و هنوز در بند دو الف اوین در وضعیت بلا تکلیف تحت بازجویی اطلاعات سپاه قرار دارد. از دلایل بازداشت و اتهامات علیه تهمینه مفیدی اطلاعی در دست نیست. هاله صفرزاده از فعالین کارگری به همراه همسرش علیرضا ثقفی جهت تحمل دوران محکومیت ۱ساله حبس تعزیری به دادسرای کرج احضار شدند.



از راست: هاله صفرزاده، زهرا ناظوری، تهمینه مفیدی، مولود حاجی زاده، رها عسگری زاده و محبوبه رضایی

در همین ماه دادگاههای رژیم ملایان رها عسگری زاده روزنامه نگار و عکاس و فعال زنان را به ۲ سال حبس تعزیری، زهرا ناظوری همسر یک زندانی سیاسی را به یک سال حبس، **مولود حاجی زاده روزنامه نگار** و فعال رسانه ای را به یک سال حبس، نجمه میرآخوری، ۶۱ساله را به ۵ سال حبس تعزیری، و شکیلا منفرد را به ۶سال حبس تعزیری محکوم کردند. خانم منفرد بلافاصله برای تحمل حبس به زندان منتقل شد.

وضعیت زندانیان سیاسی

طی ماه گذشته اعمال فشار بر زندانیان سیاسی و آزار و تهدید و تبعید و محرومیت آنها از رسیدگی های درمانی همچنان ادامه داشت.

زندانی سیاسی گلرخ ابراهیمی ایرایی روز یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۹ بعد از ۴۳ روز بازجویی در بازداشتگاه اطلاعات سپاه در بند دو الف زندان اوین تهران به زندان قرچک بازگردانده شد ولی دقایقی پس از انتقال به زندان قرچک، بدون تحویل گرفتن وسایل شخصی و لباس های خود به زندان آمل تبعید گردید. وی در همین روز قبل از انتقال به قرچک، برای ارائه آخرین دفاعیات خود به اتهام «تبلیغ علیه نظام» بدون حضور وکیل خود در شعبه ۲ بازپرسی دادسرای اوین ظاهر شد.

گلرخ ابراهیمی ایرایی روز ۲۳ آذرماه ۹۹ به طرز وحشیانه ای از زندان قرچک به بند دو الف اوین منتقل گردید. وی به دلیل نوشتن یک کتاب منتشر نشده درباره حکم غیرانسانی سنگسار در سال ۹۵ بازداشت و سه سال را در زندان سپری کرد. ولی مدتی بعد از آزادی، مجدداً بر اساس یک پرونده جدید بازداشت و برای تحمل ۲۵ ماه حبس به زندان قرچک منتقل گردید. گفته می شود، علت بازجویی های اخیر یک پرونده سازی جدید علیه وی می باشد.



از راست: گلرخ ابراهیمی ایرایی، نازنین محمدنژاد، صبا کردافشاری، فروغ تقی پور، زهرا صفائی و پرستو معینی

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران روز سه شنبه ۱۶ دی ۹۹ جهت رسیدگی به اتهامات زندانی سیاسی فروغ تقی پور و مادرش نسیم جباری تشکیل جلسه داد و آنها درباره «تبلیغ علیه نظام» تفهیم اتهام شدند. قاضی دادگاه فروغ تقی پور و مادرش را به اتهام «محرابه» تهدید کرد. فروغ تقی پور این اتهام را رد و اعلام بیگناهی کرد.

بر اساس قوانین رژیم ملایان، مجازات «محرابه» اعدام می باشد.

زندانی سیاسی فروغ تقی پور، ۲۵ساله، و مادرش نسیم جباری، ۵۸ساله، و همچنین زندانیان سیاسی زهرا صفایی و دخترش پرستو معینی در تاریخ ۵ اسفند ماه سال ۹۸ بازداشت شدند. آنها پس از اتمام بازجویی هایشان در بند ۲۰۹ زندان اوین، در اواخر فروردین ۹۹ به زندان قرچک منتقل شدند. ولی خانم جباری در آستانه نوروز ۹۹ با تودیع وثیقه آزاد شد. زهرا صفائی، پرستو معینی و فروغ تقی پور همواره تحت فشارهای امنیتی قرار داشته اند و بارها عوامل اجیرشده از سوی رئیس زندان به قصد قتل و یا مجروح کردن شان به آنها حمله کرده اند. اتهام آنها ارتباط و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد.

صبا کردافشاری که در حال حاضر در زندان مخوف قرچک محبوس می باشد روز ۷ بهمن ۹۹ به طرز وحشیانه ای از بند ۸ به بند ۶ جایی که زندانیان متهم به جرائم خشن نگهداری می شوند منتقل شد. مأموران صبا را که در حال هواخوری بود از موهایش گرفته و روی زمین کشیدند و از بند خارج کردند. آنها دستهای او را نیز به حالت قپانی بسته بودند و به همین خاطر دستانش کبود شد.

صبا کردافشاری در حال گذراندن ۲۴ سال محکومیت خود به خاطر اعتراض به حجاب اجباری است که رژیم ملایان بر زنان ایران تحمیل کرده است. او در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۹ از زندان اوین به زندان قرچک تبعید شد.

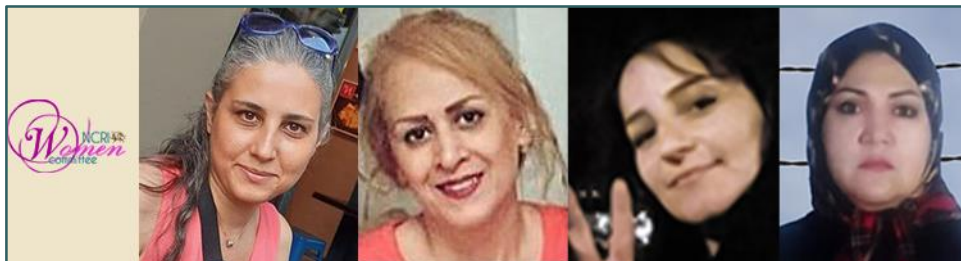
نازنین محمدنژاد، ۳۲ ساله و دانشجوی کارشناسی رشته زبان روسی دانشگاه علامه طباطبایی در تهران که در تاریخ ۱۸ آذرماه ۹۹ در منزلش در تهران بازداشت شد، همچنان در وضعیت بلا تکلیف در حبس انفرادی در زندان اوین به سر می برد. از اتهامات و علت بازداشت خانم محمد نژاد هیچ اطلاعاتی در دست نیست.

محرومیت از درمان

یکی از شیوه های مرسوم رژیم برای شکنجه و زجر کش کردن زندانیان سیاسی محروم نمودن آنها از درمان و رسیدگیهای پزشکی است.

زندانی سیاسی معصومه صنوبری مشکوک به بیماری سرطان می باشد، اما مسئولان زندان تبریز از اعزام او به بیمارستان برای تشخیص و درمان جلوگیری می کنند. خانواده معصومه صنوبری که در حال پیگیری پرونده درمانی او و انجام آزمایشات هستند، تقبل کرده اند که هزینه درمان را خودشان پردازند. اما مسئولان زندان همچنان از انجام آزمایش سونوگرافی جلوگیری کرده و به مراجعات مکرر خانم صنوبری به بهداری زندان و درخواست انتقال به مراکز درمانی بی اعتنایی می کنند.

معصومه صنوبری به جرم ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران مشغول گذراندن ۸ سال حبس در میان زندانیان عادی می باشد. وی به دلیل شکنجه های دوران بازداشت از تاری چشم، شکستگی در پای راست و مشکلات دیگر رنج می برد و در زندان به کرونا هم مبتلا شد.



از راست: فاطمه مثنی، معصومه صنوبری، راحله احمدی و بهاره سلیمانی

زندانی سیاسی فاطمه مثنی همچنان بعد از ۵ ماه از رسیدگی پزشکی مورد نیاز خود محروم می باشد. فاطمه مثنی، ۵۳ ساله از مردادماه تا کنون از خونریزی روده رنج می برد. مسئولین زندان اوین از معاینه وی توسط پزشکی قانونی و اعطای مرخصی استعلاجی به وی خودداری کرده اند.

خانم مثنی از شدت بیماری توان راه رفتن ندارد. یک پزشک از بیمارستان طالقانی تجویز کرده است که او جهت معاینه و تأیید عدم تحمل حبس به پزشک قانونی برود ولی دادیار زندان اوین امین وزیری این درخواست را رد کرده و اجازه نداده است که خانم مثنی معاینه شود.

فاطمه مثنی و همسرش حسن صادقی و دو فرزندشان در روز ۹ بهمن ۹۱ در حالی که در منزل شان مراسم ترحیم پدر آقای صادقی را برگزار می کردند، دستگیر شدند. پدر آقای صادقی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بود و تازه فوت کرده بود. خانم مثنی و همسرش هر کدام به [۱۵ سال حبس](#) محکوم شدند.

وضعیت جسمانی [راحله احمدی](#) زندانی محبوس در بند زنان اوین نامناسب است. وکیل خانم احمدی، مصطفی نیلی در مورد وضعیت راحله احمدی گفت: «با وجود ابراز نگرانی پزشکان از احتمال فلج شدن وی، تصمیمی بابت انجام مراحل درمانی برای این زندانی گرفته نشده است. اعزام این زندانی به مرخصی استعلاجی باید به صورت اورژانس صورت گیرد اما تا کنون چنین چیزی محقق نشده است.»

راحله احمدی مادر زندانی عقیدتی صبا کردافشاری است که برای اعمال فشار روی دخترش دستگیر و به مدت ۳۱ ماه به او حکم حبس داده اند.

[پرستار زندانی بهاره سلیمانی](#) بعد از پایان بازجوئی هایش به بند زنان زندان اوین منتقل گردیده است. خانم سلیمانی به دلیل ابتلاء به کووید ۱۹ از بیماری ریوی رنج می برد. وی از شروع شیوع ویروس کرونا در حال پرستاری از بیماران مبتلا بوده است و نیاز به رسیدگی مبرم دارویی و پزشکی دارد.

مأموران وزارت اطلاعات روز ۲۵ مهر ماه ۹۹ وی را دستگیر و در بازداشتگاه اطلاعات سپاه موسوم به بند دو الف زندان اوین در حبس انفرادی زندانی کردند. بهاره سلیمانی ۴۳ ساله و ساکن تهران می باشد.

شرایط وحشتناک بند زنان زندان مرکزی تبریز

طی گزارشهای رسیده در ماه گذشته، مقامات زندان تبریز در سرمای شدید شهر تبریز [زنان زندانی](#) را مجبور کردند تا پتوها و موکت های بند را جمع آوری کرده و در حیاط بشویند. همچنین این زنان رنجور را وادار کردند که تخت های زندان را به حیاط زندان برده و رنگ زده و به بند برگردانند.

بیگاری کشیدن از این زنان توسط مقامات [زندان تبریز](#) در حالی صورت گرفت که دمای هوا در این شهر در روز یک درجه زیر صفر و شبها به ۴ درجه زیر صفر می رسد. بسیاری از این زنان در این ایام از سرما به شدت بیمار شدند. یکی از زندانیان به نام [معصومه بهرامی](#) ۲۸ ساله از شدت فشار بیگاری در هوای سرد با زدن رگ دست خود اقدام به خودکشی کرد.

زنان زندانی در [بند زنان زندان تبریز](#) از حداقل حقوق و امکانات محروم هستند. [غذای زندان بسیار بد](#) و اجناس فروشگاه بسیار گران و با کیفیت پایین است. به این زنان اجازه داشتن آشپزخانه و شعله داده نمی شود.